

منبع این مطلب

[وبلاگ هیوط دل](#)

ISLAM-DPF.PERSIANGIG.IR

هر چه زمان میگذرد قدرت اعجاز علمی قرآن برای بشرناتوان بیشتر نمایان می گردد. برخی از نمونه های آنرا که انسان ، موفق به درک آن شده است را ذکر مینمایم. (بخش اول).

اول - وحدت هستی

جدیدترین نظریه علمی ثابت کرده است که زمین جزئی از منظومه شمسی بوده و به مرور زمان از آن جدا شده، به سردی گرایده و قابلیت زندگی را پیدا کرده است. برای صحت این نظریه به وجود آتش فشان ها در بطن زمین و زمین لرزه ها در اثر این آتش فشان ها اشاره میکنند. این نظریه علمی جدید آنچه را که در قرآن بدان اشاره شده است تأیید میکند:

أولم يرآلَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا، أَفَلَا تَتُوبُونَ. (آیا ندیدند کسانی که کافر شدند، هر آینه بود آسمانها و زمین خشک و بهم چسبیده، ما گشادیم آنرا و زنده گردانیدیم از آب همه چیز را. آیا ایمان نمی آورند؟) استاد طباطبائی میگوید: این یکی از معجزات علمی قرآن است که علمی جدید آنرا تأیید میکند. علم ثابت کرده است که این هستی یک کتله متصل با هم بوده و به مرور زمان تقسیم شده است. منظومه شمسی ما در نتیجه همین انقسامات بمیان آمده است. هر چه بخش دوم از آیت (و جعلنا من الماء كل شيء حي ...) این آشکارترین اشاره به تأیید حقیقت علمی است که دانشمندان راز آنرا کشف کرده اند. بیشترین کاوشهای کیمیاوی به آب ضرورت دارد و آب عنصر اساسی ادامهء زندگی در هستی و نباتات است. 1- رتق بمعنای با هم متصل و یکجا. 2- فتق جدایی میان دو چیز.

دیگر اینکه؛ این آیت نشان میدهد که خالق و ایجادگر این هستی آنرا بگونه ای ساخته است که برای مخلوقاتش قابل زندگی باشد. اگر درجهء حرارت بحد زیاد پایان باشد درجهء آکسیجن در آن بسیاز زیادی است، وقتی آب جامد میشود حرارت زیادی از آن بیرون رانده میشود و زیر آبرا برای زندگی حیوانات آبی مساعد میسازد. و عجیبترین حکمت قرآنی اینست که، با کلمات بسیار ارزشمندی راز زندگی را بیان میدارد.

از ابن عباس(رض) روایت شده است که، در تفسیر این آیت فرموده اند: آسمان بهم چسبیده بود و باران نمی بارید، زمین خشک بود و گیاه نمیروید، وقتی در زمین مخلوقات پیدا کرده شد آسمان با باران گشوده شد و زمین هم گشوده شد و از آن گیاهان روید. تفسیر ابن کثیر ج3 ص187

من بدین نظر هستم که؛ این یک تفسیر خوبی است و از باب استعاره مفسرین پیشین بدین نظر اند، ولی این مانع این نیست که در قرآن نکات علمی وجود داشته باشد که در گذشته مفسرین بدان آگاهی نداشتند و علم امروزی آنرا کشف کرده است و آیات قرآنی احتمال چندین توجیه را دارند. اینجا هیچ مانع از فهم اسرار قرآن وجود ندارد و میشود که متأخرین چیزهای را بدانند که متقدمین ندانسته بودند. خداوند(ج) فرموده است: سنرهم آياتنا في الأفاق و في أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق. (بزودی مینمایم ما برایشان نشانه های قدرت خود را در کناره جهان (طبیعت) و در ذات خودشان، تا برایشان ثابت گردد که این قرآن حق است)

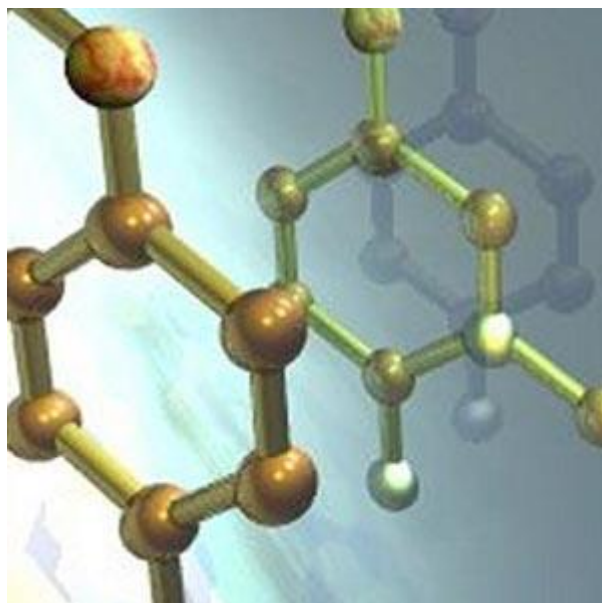
شاید این از نشانه های اعجاز باشد که خداوند(ج) در قرن بیستم توسط انسان آنرا کشف کرده است.

دوم - پیدایش هستی:



دانشمند فضایی (جینز) میگوید: اولین ماده هستی بشکل گازهای بوده اند که در فضا طور منظم وجود داشتند و مجموعهء کهکشانها از کثافت وتجمع این گاز های پدید آمده اند.
دانشمند دیگری بنام (جامو) میگوید: هستی در وهله اول پیدایشش بر از گازهای بوده که طور منظم در فضا توزیع شده بودند و از آنجا عملیهء تکوین آغاز یافته است.
این نظریه ای است که قرآنکریم آنرا تأیید میکند. اگر نص قرآنی در رابطه موجود نمیبود شاید اکثر ما این فرضیهء علمی را نادرست مپنداشتیم و یا به آن بدیدهء شک مینگریستیم. : ثم استوی إلی السماء و هی دخان، فقال لها و للأرض إتیاً طوعاً أو کرهاً، قالتا أتینا طائعتین،) بعد از آن بسوی آسمان شد که از دود بود، و گفت برای آن و زمین بیایید بفرمان من خواسته یا نخواستہ، گفتند: آمدیم خواسته و فرمانبردار)
درین آیت کریمه قرآن مصدر پیدایش و خلقت این هستی را دود(دخان) معرفی کرده است. دود چیزی است که عربها از اشیاء ملموس آنرا درک میکردند که در حقیقت همان گاز است. آیا چهارده قرن قبل در مقدور یک شخص که خواندن و نگاشتن نمیدانست بود که این کشف علمی قرن بیستم را بدانند، آنهم در زمانیکه مردم از هستی و اسرار آن چیزی نمیدانستند؟!

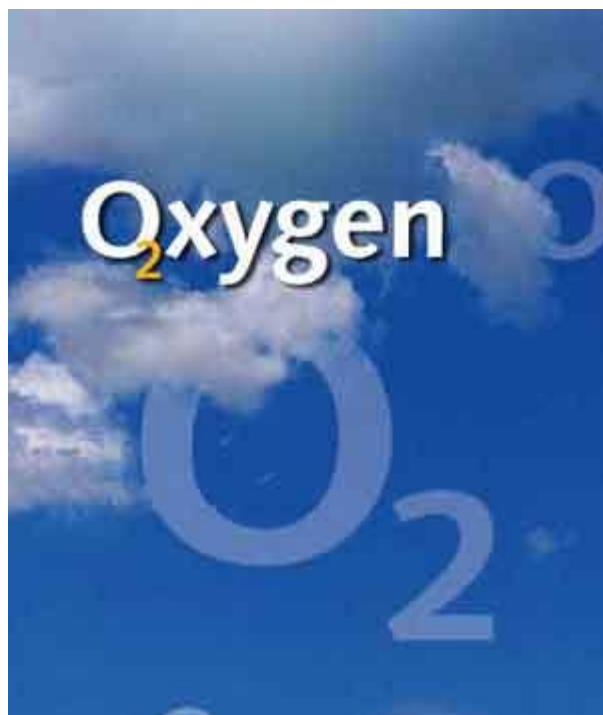
سوم - تجزیه اتم:



تا آخر قرن نوزدهم اعتقاد برین بود که کوچکترین مادهء هستی اتم است که در یکی از عناصر وجود دارد و اتم غیر قابل تجزیه است، این نظریه چندین قرن وجود داشت و در چندین دههء گذشته دانشمندان توجه بیشتری بر اتم بود تا اینکه مؤفق به تجزیه آن شدند و پی بردند که اتم دارای اجزاء پروتون، نیترون و الکترون است. بواسطهء این تجزیه مؤفق به ساختن بم اتم و بم هایدروژنی شدند. بخداوند(ج) پناه میبرم از شر شیطان رجیم.

به این قول پروردگار دانا و توانا توجه کنید: و ما یعزب عن ربک مثقال ذرّة فی الأرض و لا فی السماء ولا أصغر من ذلك ولا أكبر إلاّ فی کتاب مبین. (پوشیده نیست از پروردگار تو چیزی قدر ذره در آسمان و زمین، نه کوچکتر از آن و بزرگتر از آن مگر اینکه در کتاب بیان کننده و واضح است) کلمه اصغر (کوچکتر از ذره) در قرآنکریم اشاره به همین امکان تجزیهء اتم است. و درین قول پروردگا (ولا فی السماء) بیانگر اینست که خواص اتم در زمین همان خواص اتم در موجودات فضای مثل آفتاب، ستاره ها و سیاره هاست. آیا محمد(ص) خواص اتم را خوانده و برای تجزیهء آن در زمین و آسمان تلاش کرده بود؟ نه خیر! این بزرگترین معجزهء علمی قرآن و دلیل است برینکه این کتاب وحی الهیست.

چهارم - کمبود اکسیژن:



از زمانی که عملیه و توانای پرواز برای بشر میسر شد دانشمندان به یک پدیده ای طبیعی پی بردند که عبارت از کمبود آکسیژن در طبقات بالای فضا است. وقتی انسان به بالا میرود و در فضا قرار میگیرد این امر را درک میکند و احساس نفس تنگی مینماید و هرچه بالا میرود احساس خفقان میکند و تا حدی که دیگر زندگی بدون آکسیژن غیر ممکن میگردد. از همین رو خدمه های پرواز به مسافری می آموزند که هرگاه طیاره به ارتفاع بیشتر از 35 هزار قدم بلند شود خریطه های اکسیژن های مصنوعی را استفاده کنند. ولی قرآنکرم در چهارده قرن قبل و قبل از کشف عملیه پرواز به این امر اشاره کرده است: (فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضَلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّما يَصُوعِدُ فِي السَّمَاءِ - کسی را اراده کند خداوند که هدایت کند او را، گشاده میسازد سینه او را به اسلام و کسی را که بخواهد گمراه کند میگرداند سینه او را تنگ، مشکلدار گویا اینکه به آسمان بالا میرود.)

در گذشته متقدمین این آیت را مطابق فهم خود و زمان خود تفسیر میکردند و میگفتند: یعنی همانند کسیکه تلاش میکند تا به آسمان برود، ولی نمیتواند. یا اینکه؛ کسی تلاشی کاری را کند که محال است. علم جدید آمد و معجزه علمی قرآن ظاهر شد و یک اتفاق عجیبی را میان آیت قرآن و واقعیت علمی ایجاد کرد. این یک تصدیق دیگری بود درین عصر بر راستی نبوت محمد(ص). قسم بخداست این قرآن چه زیبا و پذیرفتنی است!